

بررسی دیدگاه آیت‌الله معرفت در مورد تفسیر علمی*

زینب بهجت پور** و محسن قمرزاده***

چکیده

نوشتار حاضر در پی تبیین دیدگاه آیت‌الله معرفت در تفسیر علمی به مباحث نظری تفسیر علمی از منظر ایشان از جمله مبانی اختصاصی این مفسر در تفسیر علمی «رابطه رسالت قرآن و تفسیر علمی» و «اعجاز علمی، یکی از ابعاد اعجاز قرآن» پرداخته شده است. ضوابط اختصاصی تفسیر علمی در چهار محور نیز از مباحث این نوشتار است. در حوزه منهج‌شناسی تفسیر علمی از دیدگاه آیت‌الله معرفت، چند عنوان اساسی از جمله «توجه به آیات مشابه و همگرا»، «عنایت به دیدگاه دیگر مفسران»، «توجه به روایات موجود در بحث» و «نظر دانشمندان علوم تجربی» مورد توجه ایشان است که از طریق آنها تفسیری کامل از آیه مورد بحث به دست می‌آید. در پایان، آسیب‌شناسی تفسیر علمی نیز تبیین و تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر علمی، محمد هادی معرفت، مبانی، ضوابط، شیوه، اعجاز علمی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۱۵.

** دانش‌آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی معصومیه: www.markazqt@yahoo.com
*** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم تحقیقات تهران ghamarzadehm@gmail.com

طرح مسئله

تفسیر کلام الهی با توجه به توان علمی و تخصص مفسران و نیز با توجه به معارف متنوع موجود در قرآن، سبب رویش شیوه‌های مختلف تفسیری شده است. تفسیر علمی به عنوان یک روش تفسیری مستقل، همپای دیگر روش‌ها مد نظر برخی از دانشمندان و مفسران فریقین بوده و با رشد علمی جوامع در دهه‌های اخیر بیشتر مد نظر قرار گرفته است. تعداد مختلف آیات علمی حاصل دیدگاه‌های متفاوت درباره مبانی تفسیر علمی و تعریف آیات علمی است. یوسف مروه تعداد آیات علمی قرآن را ۶۷۵ آیه می‌شمارد (مروه، العلوم الطبیعیه فی القرآن، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷)، در حالی که محمد جمیل الحبال و مقداد مرعی الجوارری تعداد آنها را با احتساب موارد تکرار ۱۳۲۲ آیه می‌دانند (الحبال والجوارری، العلوم فی القرآن، ۱۴۱۸: ۳۵-۳۶) که حدود ۲۰٪ کل آیات قرآن را شامل می‌شود. روشن است که فهم و تفسیر این آیات بدون انجام تمهیداتی جهت ارتباط منطقی با علوم تجربی و مشخص شدن مباحث نظری و ضوابط آن، امری مشکل و گاه موجب انحراف است.

الگوی تدوین تفسیر سبب حرکت ذهن مفسر در چارچوب مشخص و فراهم آوری ظرفیت‌های لازم برای نگاه جامع به اطراف مسئله می‌شود. مفسران از گذشته مبانی، ضوابط، شیوه‌ها و الگوهای متعدد و متنوعی را جهت تبیین مقاصد کلام الهی به کار برده‌اند که برخی از آنها در تمام روش‌های تفسیری کاربرد دارد و برخی ویژه روش خاصی است. این پژوهش درصدد بیان دیدگاه مفسر قرآن آیت الله معرفت در تفسیر علمی است. بر این اساس مبانی، ضوابط، شیوه و آسیب‌شناسی تفسیر علمی با تحلیل آثار و الگوی تفسیری ایشان در آیات علمی استحصال شده است تا به دید جامعی از اندیشه علامه معرفت در تفسیر علمی دست یابیم.

پیشینه

تفسیر علمی در قرن چهاردهم به عنوان یک روش مستقل مورد توجه قرار گرفت. در آثار پیشینیان هم توجه به این تفسیر وجود دارد و نمی‌توان آن را ویژه عصر حاضر دانست. عده‌ای معتقدند این نوع نگرش به آیات در عصر صحابه هم بوده است. البته با تذکر این نکته که داعیه مفسران صحابی و تابعی و پیشینیان در اتخاذ این دیدگاه اعتقاد به جامعیت قرآن بوده است؛ به همین دلیل، برای اثبات ادعای خود به آیاتی از جمله انبیاء/ ۴۷ و غافر/ ۱۵ و روایاتی مانند حدیث امام باقر علیه السلام (حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۲/ ۷۴) استناد می‌کرده‌اند.

در سابقه تفسیر علمی می‌توان به جانبداری ابوحامد غزالی (۵۰۵ق) از این روش و همچنین به کارگیری آن در تفسیر برخی آیات (بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۳۹۱: ۳/۳۳۳)، تطبیق برخی آیات با هیأت بطلمیوسی در رسائل ابن سینا (ابن‌سینا، رسائل، ۱۳۷۵: ۱۲۴) و توجه به داده‌های علوم تجربی در تفسیر فخر رازی اشاره کرد (بابایی، مکاتب تفسیری، ۱۳۹۱: ۳/۳).

نخستین نگاشته خاص درباره قرآن و علم «الاسرار النورانية القرآنية فیما یتعلق بالاجرام السماویة والارضیة و الحیوانات و النباتات و الجواهر المعدنیة» نگاشته محمد بن احمد اسکندرانی در سال ۱۲۷۹ق است که مجموعه آیاتی از قرآن را برگزیده و مطالب علمی را در همان موضوع آورده است. هدف وی از نگاشتن این مجموعه سه جزئی، اثبات صحت ادعای قرآن در اشمال بر همه چیز از جمله علوم است (اسکندرانی، کشف الاسرار النورانية القرآنیة، ۱۲۷۹: ۱/۱۰۹-۱۰۷).

کتاب‌های مستقل تدوین شده در این باره، نوعی تفسیر موضوعی تلقی می‌شوند که یک موضوع معین علمی را در سراسر قرآن بررسی کرده‌اند. این نگاشته‌ها که از جنین‌شناسی تا کیهان‌شناسی را به طور اختصاصی یا جمعی بررسی کرده‌اند، بسیار فراوان‌اند که از مشهورترین آنها می‌توان موارد زیر را برشمرد:

«الفلک والقرآن» از محمد توفیق صدقی، «القرآن والطب الحدیث» از عبدالعزیز اسماعیل، «سنن الله الکوینیة والعوالم الاخری» از محمد الفندی، «القرآن والعلم الحدیث» و دیگر نگاشته‌های مشابه از عبدالرزاق نوفل و «العلوم الطبیعة فی القرآن» از یوسف مروه با مقدمه‌ای از شهید صدر. در ایران نیز نگاشته‌های مستقلی در این موضوع تدوین شده است: «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» از پاک‌نژاد، «دانش عصر فضا» از نوری همدانی، «گذشته و آینده جهان» از بی‌آزار شیرازی، «پیام قرآن» از مکارم شیرازی، «زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن» از صادقی تهرانی و «قرآن و تربیت» از رضایی اصفهانی.

دسته دوم تفاسیر قرآن هستند که ضمن تفسیر ترتیبی، به تناسب برخی آیات علمی به این موضوعات اشاره کرده‌اند؛ طنطاوی در «تفسیر الجواهر»، محمد عبدالمنعم الجمال در «التفسیر الفرید»، ابن‌عاشور و ابن‌بادیس هم که تا حد زیادی از «المنار» متأثر بوده‌اند، کم یا زیاد به این مباحث پرداخته‌اند. علامه طباطبایی در «المیزان»، محمدتقی شریعتی در «تفسیر نوین»، عبدالرحمن کواکبی در «طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد» از مفسرانی هستند که توجه‌شان به تفسیر علمی در آثارشان به وضوح دیده می‌شود.

شایان ذکر است استاد رضایی اصفهانی با ارائه کتب متعدد تخصصی و مقالات فراوان در حوزه تفسیر علمی قرآن، از چهره‌های شاخص در این زمینه به شمار می‌آید که مباحث نظری تفسیر علمی را به رشته تحریر درآورده است.

افزون بر این نوع نگاشته‌ها باید به کتاب‌هایی مانند «مدخل الی موقف القرآن الکریم من العلم» از عمادالدین خلیلی و «قرآن و علوم طبیعت» از گلشنی اشاره کرد که اگرچه موضوعشان «قرآن و علم» است، اما با رویکردی کلامی به این موضوع پرداخته، ارتباط علم و دین یا علم و قرآن یا رویکرد قرآن را به طبیعت به لحاظ نظری بحث کرده‌اند و چون به طور مشخص در تفسیر آیات از یافته‌های علمی بهره نگرفته‌اند، در شمار تفاسیر علمی طبقه‌بندی نمی‌شوند. با در نظر گرفتن این نمونه‌ها باید اذعان کرد که بهره‌گیری از دانش‌های تجربی روز در تفسیر قرآن امری بی‌سابقه نیست، اما در دوره معاصر به روشی متمایز و مستقل بدل شده است.

تفسیر علمی

۱- مفهوم‌شناسی

تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسامی مختلف است که بر اساس آنها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده و گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است. آنچه از تفسیر علمی در این نوشتار مورد نظر است، استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۲۷۴ و ۳۷۸؛ همو، ۱۳۹۲: ۵/ ۵۶).

در تفسیر علمی مفسر می‌کوشد بین آیات قرآن و یافته‌های علم تجربی ارتباطی بیابد و به شرح آن بپردازد. برای این روش از سوی موافقان و مخالفان، تعاریف مختلفی صورت گرفته و در اغلب آنها به سخنان ابوحامد غزالی (۵۰۵ق) و نقد ابوالقاسم شاطبی (۵۹۰ق) استناد شده است.

آیت الله معرفت با جلب توجه به هدف تفسیر علمی قرآن که آن را نمایش تطبیق اشارات گذاری قرآن بر اسرار طبیعت و اثبات یکی از وجوه اعجاز قرآن می‌شمارد (معرفت، التفسیر والمفسرون، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۶۷-۴۶۸)، این روش را نوعی تفسیر عصری می‌داند که با تأثر از کشفیات جدید علمی پدید آمده و تفسیر را در حوزه‌های علوم مورد بررسی قرار می‌دهد (همان، ۲/ ۴۶۶).

۲- دیدگاه‌ها درباره تفسیر علمی با اتکا به نظر آیت الله معرفت

از مباحث عمده درباره تفسیر علمی صحت و ضرورت آن است. عده‌ای از منظر معرفت‌شناسی و زبان‌شناسی، گروهی با در نظر گرفتن قواعد تفسیر و برخی با توجه به پیامدهای این روش، در تأیید و نفی آن سخن گفته‌اند، اما همه کسانی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، معتقدند خداوند دو کتاب دارد: کتابی از کلمات (قرآن) و کتابی شکل گرفته از عناصر (طبیعت) که بنا بر قرآن، هر دو آیه و نشانه‌ای از خداوند هستند (وحید اختر، اندیشه دینی، ۱۳۷۰: ۵۵-۵۶ و ۶۸؛ شریف، اتهامات التجدید، ۱۴۰۲: ۱/ ۳۶۰-۳۶۱؛ رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۳۷۳: ۲/ ۶۴؛ طنطاوی، الجواهر فی التفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۲: ۲/ ۵۱)؛ بنابراین، نزاع بر سر تفسیر علمی، نزاع درباره وجود تعارض بین علم و دین نیست که عده‌ای آن را بپذیرند و عده‌ای تکذیب کنند، بلکه این نزاع مشخصاً درباره استواری و صحت بهره‌گیری از علم تجربی در تفسیر قرآن است.

غزالی اولین کسی که سخنانش مؤید تفسیر علمی تلقی شده و این بحث را در جایگاه معرفت‌شناسی قرآن مطرح کرده است. از نظر او همه علوم زیر مجموعه افعال و صفات خداوند هستند و قرآن کتابی است که شرح ذات، افعال و صفات خداوند در آن آمده است (غزالی، احیاء العلوم، ۱۳۵۶: ۱/ ۲۹۶-۲۹۷). غزالی در تأیید سخن خود نه به آیات قرآن، بلکه به چند روایت استناد کرده که گویاترین آنها روایتی موقوف از ابن مسعود است: «مَنْ ارَادَ عِلْمَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ فَلْيَتَدَبَّرِ الْقُرْآنَ؛ هر کس علم اولین و آخرین را بجوید، باید در قرآن بیندیشد» (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۴). زرکشی ضمن بحث از قرآن و دانش‌های آن، سخنان و مستندات غزالی را آورده است (زرکشی، البراهان، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۹۰-۲۹۱). سیوطی نیز (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۴/ ۲۸-۲۹) در تأیید نظر پیشینیان خود، این دو آیه را شاهد آورده است: «هَا قَرْطَنًا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/ ۳۸) و «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است، بر تو نازل کردیم» (نحل/ ۸۹) و روایاتی هم در تأیید این قول اضافه کرده است، لکن وی این دانش‌ها را به معارف و اصول تشریح اختصاص داده است (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۴/ ۳۳-۳۵).

مجموعه استنادات عالمان متقدم به آیات و روایات، همه آن چیزی است که موافقان تفسیر علمی به عنوان ادله نقلی در تأیید دیدگاه خود می‌آورند و قرآن را جامع همه دانش‌ها می‌دانند (نوفل، القرآن و العلم الحديث: ۱۳۷۸: ۱/ ۲۳؛ حنفی، التفسیر العلمی لآیات الكونیه فی القرآن، ۱۹۶۰: ۱/ ۵-۶). این نگرش به قرآن از جهات گوناگون نقد شده، از جمله در دلالت مستندات قرآنی آن خدشه و جامعیت و روشنگری قرآن به حوزه هدایت محدود شده است (شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۰۸: ۱۱). درباره اعتبار سند روایات آن نیز تردید وجود دارد (غزالی، احیاء العلوم الدین، ۱۴۲۱: ۱/ ۳۸۴). افزون بر این، قاتلان به این سخن نتوانسته‌اند ادعای خود را مبنی بر اینکه قرآن جامع همه علوم است، ثابت کنند و نمونه‌های مطرح شده، علاوه بر آنکه تمامی دانش‌ها را در بر نمی‌گیرد (همان، ۱/ ۳۸۳). بعضاً بسیار غیر مرتبط و نأستوارند (معرفت، التمهید فی العلوم القرآن، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۰-۲۲؛ سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۲/ ۳۰-۳۳؛ نفیسی، عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۵۱-۱۵۵)، مانند آنکه ابن ابی الفضل مرسی در تفسیرش برای اثبات ادعای تجمیع تمام علوم در قرآن شواهدی آورده است (ر.ک: معرفت، التمهید فی العلوم القرآن، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۰-۲۲).

آیت الله معرفت می‌نویسد: در سستی این نظر همین کافی است که چطور تمام علوم و فنون از قرآن استخراج می‌شود، در حالی که هیچ یک از پیشینیان یا آیندگان به این مطالب پی نبرده‌اند؟! (معرفت، علوم قرآن، ۱۳۸۱: ۴۱۶). ایشان همچنین آیات مستند این دیدگاه را به دو دسته تقسیم کرده است:

الف) آیاتی که منظور از «کتاب» در آنها همان قرآن است، لکن باید توجه داشت که مقصود از آن روشن‌گری درباره همه امور مربوط به شئون دینی و احکام شریعت مقدس می‌باشد. بنابراین، در آیه ۸۹ سوره نحل مراد از تبیان بودن قرآن، روشن‌گری هر امر مربوط به شریعت است و در آیه ۳۸ سوره انعام نیز اگر مراد از کتاب لوح محفوظ باشد که در دسته دوم می‌گنجد و اگر مراد از آن قرآن باشد، تفسیری همانند آیه سوره نحل دارد.

ب) آیاتی که منظور از کتاب در آنها لوح محفوظ است؛ مانند آیه ۵۹ سوره انعام که در حقیقت کنایه از علم ازلی خداوند متعال است. ایشان روایت عبدالله بن مسعود را نیز بر دانش شرایع و مکارم اخلاق تفسیر می‌کنند و نه تمام علوم؛ زیرا جوینده چنین دانشی می‌تواند آنها را از قرآن برداشت نماید. البته استاد معرفت کلام غزالی را در قسمتی که همه علوم را زیر مجموعه افعال و صفات الهی می‌داند و در قرآن شرح این افعال و صفات آمده است، خردمندانه ارزیابی می‌کند (معرفت، التمهید فی العلوم القرآن، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۹-۳۰).

درباره جامعیت قرآن از منظر کلامی نیز با این پیش فرض استدلال کرده‌اند که قرآن دین اکثری است؛ و در نتیجه، لازم است هر چه به نفع یا ضرر انسان است، بیان کند (رومی، منهج المدرسه العقلیه الحدیثه فی التفسیر، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۷۵). برخی مدعی شده‌اند که اگر در برخورد با قرآن روشی درست را برگزینیم و با آیات ناظر به آفرینش همانند آیات فقهی برخورد کنیم، در این صورت همان‌گونه که احکام فقهی جدید را از آن استخراج کنیم، می‌توانیم به کشفیات جدید علمی هم برسیم (طنطاوی، الجواهر فی التفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۹ و ۵ / ۵۶؛ حنفی احمد، التفسیر العلمی للآیات الکوئیه فی القرآن بی‌تا: ۳۶؛ جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

به نظر می‌رسد که از نظر این عده بین علم فقه که به قراردادهای اعتباری حاکم بر جامعه و فرد می‌پردازد و علم تجربی که می‌کوشد روابط حقیقی بین پدیده‌ها را کشف کند، تفاوتی وجود ندارد. این نکته را نیز از نظر دور داشته‌اند که حتی اگر در آیاتی از قرآن حقایق هستی بیان شود، فهم آن آیات پیش از پیمودن مقدمات تجربی لازم برای آن علم، میسر نخواهد بود (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۴۱۵: ۶۱-۶۲).

بر خلاف این عده که با نظر به جایگاه معرفت‌شناختی قرآن بر جامعیت آن استدلال کرده‌اند، عده‌ای نیز از همین منظر در مخالفت با تفسیر علمی سخن گفته‌اند. از جمله سیدقطب از یک سو مطالب قرآنی را حقایق قطعی می‌خواند و از دیگر سو همه لایه‌های معرفت علمی را اعم از آنچه حقیقت یا فرضیه نامیده می‌شود، محدود به تجربه ابزارها و شرایط بشری می‌داند و آنها را غیر قطعی و برقراری ارتباط بین این دو سنخ معرفت را اشتباه می‌پندارد (سید قطب، فی الظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۸۲).

شاطبی مهم‌ترین فرد از قداماست که نظریاتش مخالف تفسیر علمی تلقی شده است. به اعتقاد وی، فهم مخاطبان اولیه قرآن در عصر نزول که از همه به قرآن آگاه‌تر بوده‌اند، ملاک و مبنای فهم قرآن است فقدان نشانه‌هایی از تفسیر علمی در سخنان ایشان، نشان می‌دهد که نمی‌توان مدعی وجود این علوم در قرآن شد (شاطبی، الموافقات فی اصول الشریعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۸۹ و ۳ / ۳۴۰). در دوره معاصر دیدگاه شاطبی در بیان امین خولی احیا شد و در قالب اصولی برای درک متن قاعده‌مند گردید (خولی، مناهج تجدید فی النحو والبلاغه، ۱۹۱۶: ۲۹۳-۲۹۴) و پیروان سبک بیانی با پردازشی نو، مهم‌ترین ادله نقد تفسیر علمی را مطرح کردند. از نظر امین خولی، در نظر گرفتن ظرف تاریخی نزول قرآن و بلاغت آن،

رعایت دو نکته را در تفسیر قرآن واجب می‌کند که تفسیر علمی آن دو را پاس نمی‌دارد: اول به کاربردن واژگان قرآنی در همان معنای عصر نزول و دوم محدود شدن به فهم مخاطبان اولیه (همان). به نظر می‌رسد، عموم دینداران و مفسران معتقدند باید واژگان قرآنی را در معنایی به کار برد که در عصر نزول به کار می‌رفته است، اما اینکه یافته‌های جدید نمی‌توانند به عنوان قرینه معینه یا منصرفه در فهم معنای واژگان تأثیر گذارند، لزوماً به معنای طرح تفسیر علمی نیست. همچنان که بلاغت قرآن نیز همین قدر دلالت دارد که باید مخاطبان عصر نزول هم در دایره مخاطبان سخن قرار گیرند؛ یعنی سخن به گونه‌ای نباشد که آنها اصلاً از آن تصویری نداشته باشند (قرضاوی، کیف نتعامل مع القرآن، ۱۴۲۰: ۳۸۳؛ شریف، اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم، ۱۴۰۲: ۶۷۱). امام صادق علیه السلام در پاسخ فردی که از علت ملال آور نبودن قرآن با وجود تکرار زیاد آن سؤال کرده بود، حجت و بیان بودن قرآن برای دوران آینده همانند اول نزولش را دلیل حفظ طراوت و شادابی آن شمردند و آنکه با هر بار رجوع به قرآن توسط اشخاص مختلف دانش‌های بیشتری را دریافت می‌کنند (ابن عطیه، تفسیر المحرر الوجیز، ۱۴۲۲: ۱/۳۶). استاد معرفت بر این باور است که محدود کردن فهم قرآن صرفاً به آنچه مردمان عصر نزول می‌فهمیده‌اند، سواي نشاندن گرد کهنگی به چهره قرآن، به نقض تفسیر علمی می‌انجامد و علاوه بر آن، هر گونه تلاش را برای فهم عمیق‌تر و بهتر قرآن را (فراتر از فهم مردم عصر نزول) نقد می‌کند و در نتیجه، تمامی تفسیرهای این پانزده قرن را بدعت می‌داند. تفاسیر قرآن همواره مناسب با شرائط روز و به موازات تحولات علوم و تکامل بشری در طی قرون، متحول شده و فهم انسان‌ها نیز تکامل یافته است؛ و با نگاه به نکات دریافتی پیشینیان مطالب جدید ارائه کرده و یا فهم آنان را تصحیح می‌کند (معرفت، التفسیر المفسرون فی ثوبه القشيب، ۱۳۷۷: ۲/۴۵۲).

محمد عَزَّه دَرُوزَه به جای ملاک قرار دادن فهم مخاطبان عصر نزول، به فهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان شارح و مبین قرآن و عالم‌ترین فرد به آن استناد کرده و احادیث نبوی را میزان و نشانه فهم آن حضرت از قرآن دانسته و فراتر بودن تفسیر علمی از احادیث نبوی را مبنای نقد خود قرار داده است (عزّه دروزه، التفسیر الحدیث، ۱۴۲۱: ۷/۲). در اینکه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عالم‌ترین فرد نسبت به قرآن بوده‌اند شکی نیست، اما در اینکه آن حضرت برای بیان فهم خود از قرآن و عمق تجربه وحیانی، مخاطب مستعدی یافته باشند — با در نظر گرفتن اینکه بر سخن گفتن با مردم به قدر عقولشان تأکید داشته‌اند — تردید وجود دارد.

مخالفان و موافقان به پیامدهای مثبت و منفی تفسیر علمی نیز توجه داشته‌اند. موافقان این روش، با نظر به اعجاز علمی که ثمره مثبت این نوع تفسیر می‌باشد، بر ضرورت پرداختن به تفسیر علمی در این دوره تأکید کرده‌اند. به نظر آنان اتمام حجت قرآن بر مردمان امروز — که عموماً به زبان عربی تسلط ندارند و نمی‌توانند اعجاز بلاغی قرآن را درک کنند — و نیز تبیین و تحقق جاودانگی خطاب قرآن برای مردمان همه اعصار، تنها از طریق اعجاز علمی میسر می‌شود (حنفی، التفسیر العلمی، ۱۹۶۰: ۱۷؛ نوفل، القرآن و العلم الحدیث: ۱۹۵۹: ۷-۶ و ۲۵-۲۲؛ جمیلی، الاعجاز الطبی فی القرآن، ۱۹۷۸: ۳۱۳؛ شریعتی، تفسیر نوین، بی‌تا: ۶۰).

اعجاز علمی قرآن چنان برای عموم اندیشوران مسلمان جذابیت دارد که عده‌ای با تفکیک بین تفسیر علمی و اعجاز علمی، مدعی شده‌اند که نزاع عالمان مسلمان، تنها بر سر تفسیر علمی است و همه آنان به اعجاز علمی باور دارند (رومی، منهج الامدرسه العلقیه الحدیثه فی التفسیر، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۰۱-۶۰۰). چنین است که برخی مخالفان این روش، به رغم نادرست دانستن تفسیر علمی، در مواردی بر اعجاز علمی قرآن تأکید کرده‌اند (سید قطب، فی الظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۵ / ۳۰۹۵ و ۶ / ۳۸۷۸). بعضی دیگر از مخالفان معتقدند برای بیان جاودانگی پیام قرآن، نه تفسیر علمی و نه اعجاز علمی، بلکه صرف اثبات ناسازگار نبودن قرآن با علم کفایت می‌کند (خولی، مناهج تجدید فی النحو والبلاغ، ۱۹۶۱: ۲۹۵؛ شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۰۸: ۲۲؛ ذهبی، التفسیر المفسرون، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۳۹-۵۴۰). البته روشن نیست که چگونه می‌توان بدون تفسیر علمی و عرضه قرآن بر علم، اعجاز آن و ناسازگار نبودن آن با علم را ثابت کرد و چگونه می‌توان با انکار مقدمات به نتیجه لازم بود.

گروهی دیگر با در نظر گرفتن پیامدهای منفی تفسیر علمی، در نکوهش آن سخن گفته‌اند. ایشان به دگرگونی‌های شدید در عرصه معرفت علمی نظر دارند و اینکه چگونه در یک زمان امری مسلم تصور شده و در دوره‌ای دیگر بطلان آن آشکار گردیده است. از نظر ایشان با تفسیر علمی، سرنوشت قرآن به سرنوشت علم پیوند می‌خورد و موجب می‌شود قرآن نیز همراه با پیشرفت علم به فراز و فرود آید (شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۰۸: ۲۱). نمونه روشن این امر، تفسیر طنطاوی است که به رغم استقبال گسترده از آن، به سرعت کهنه گردید.

آیت الله معرفت در این باره می‌گوید عصری بودن تفسیر - به معنای آنکه با پیشرفت دانش و گسترش معارف بشری بهتر و بیشتر می‌توان به حقایق قرآنی پی برد - تلقی جدیدی نیست، بلکه واقعیتی انکارناپذیر است که از زمان‌های پیشین مورد توجه بوده و منتج به نگارش تفاسیری متناسب با تحولات علمی و فکری شده است. قرآن همواره نیازمند تفسیر و تبیین است؛ چنان که در آغاز نزول پیامبر ﷺ وظیفه تبیین و شرح آن را به عهده داشتند و پس از خود نیز طبق حدیث ثقلین، این امر را به عترت خویش واگذار نموده است.

از دیگر سو سطح تبیین و تفسیر قرآن، وابستگی مستقیمی با توان علمی و گستره دانش افراد دارد و به ناچار همراه با تحول زمان، متحول می‌شود. همچنان که روایت امام صادق علیه السلام درباره حفظ طراوت قرآن به دلیل عدم اختصاص قرآن به دوران و زمانی خاص (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۶۲: ۱۵/۸۹) ناظر به همین مطلب است. موضوعاتی مانند ظهر و بطن قرآن، تنزیل و تأویل، سریان قرآن در تمام زمان‌ها و مکان‌ها مانند جریان خورشید و ماه به این حقیقت اشاره دارند که قرآن مانند خورشید و ماه همواره از افق طبیعت سر برآورده و با تابش خود تاریکی‌ها را زدوده و آفاق تازه‌ای را می‌گشاید و با تبیین به اندیشه‌ها و پدیده‌های فکری و علمی، زوایای تاریک آنان را به درخشندگی مبدل می‌سازد. تطور تفسیر همانند دیگر رشته‌های علوم انسانی در اسلام کاملاً طبیعی می‌نماید و اندیشه و دانش مفسران نقش مؤثری در رشد و شکوفایی تفسیر دارد. انسان‌ها در طول زمان خلاقیت و بینش‌های مختلفی دارند. ممکن است در طی قرون فراز و نشیب‌هایی در مسیر باشد و منجر به راه یافتن اشتباهاتی در تفسیر شود، اما روش تصحیح و کمال‌جویی همواره برگی زرین در تحول و پیشرفت تفسیر است و نور علم زوایای حقایق قرآنی را روشن‌تر می‌سازد (معرفت، صاینه القرآن من التحریف، ۱۳۷۹: ۲/۴۵۵-۴۵۷).

۳- تفسیر علمی در آثار علامه معرفت

آیت‌الله معرفت در جلد ششم از «التمهید فی علوم القرآن» به موضوع اعجاز علمی و اعجاز تشریحی قرآن پرداخته است. وی در بخش اول پیش از بیان نمونه‌های اعجاز علمی قرآن و تفسیر آنها مباحث نظری و دیدگاه خود را ذیل عناوینی مانند اشارات گذرا و خیره‌کننده علمی در قرآن، قرآن و فراگیری همه علوم، تحدی در کرانه علم پیرامون تفسیر علمی تبیین می‌نماید. استاد پس از طرح این مباحث، نمونه‌هایی از آیات علمی قرآن مانند اصل

حیات آب، جاذبه عمومی، نقش کوه‌ها در استواری زمین، زوجیت، غسل ... را با استفاده از علوم طبیعی تفسیر می‌کند. استاد معرفت همچنین در کتاب «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» ضمن بحث از گرایش‌های تفسیری، به توضیح تفسیر علمی نیز پرداخته و تفاسیر علمی را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. همچنین در کتاب «الشبهات و ردود» مباحثی مرتبط با محوریت پاسخ به برخی از شبهات طرح نموده است.

۴- مبانی تفسیر علمی

مبانی جمع «مبنا» است که در لغت به معانی چندی از جمله بنیاد، اساس، شالوده و پایه آمده است (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۷/ ۶۵۹۱ و ۶۶۰۳). مبانی هر علم باورهای بنیادینی است که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل می‌دهد و اصول موضوعه آن علم با آن شناخته می‌شود و مسائل آن علم بر آنها استوار می‌باشد (سبزواری، شرح منظومه، ۱۴۱۷: ۱/ ۸۸-۸۷). دکتر شاکر مبانی تفسیر را آن دسته از پیش فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی می‌داند که مفسر با مبنا قرار دادن آنها به تفسیر قرآن می‌پردازد (شاکر، مبانی تفسیر، ۱۳۸۲: ۴۰).

برخی از موارد مطرح به عنوان مبانی تفسیر، جنبه عمومی دارند؛ از قبیل:

«وحياني بودن ساختار قرآن»؛ آیت الله معرفت در مقدمه تفسیر بیان می‌دارد که قرآن دارای ساختاری الهی است (معرفت، تفسیر اثری جامع، ۱۳۸۷: ۱/ ۵۸).

«تحریف‌ناپذیری قرآن»؛ ایشان هر گونه تحریف لفظی را از ساحت قرآن دور می‌دانند و به شدت منکر وجود تحریف است و این موضوع را بی‌اساس و خرافی می‌داند (معرفت، صیانت القرآن من التحریف، ۱۳۷۹: ۲۲)، «قابل فهم بودن زبان قرآن» وی زبان قرآن را زبان قوم عرب زمان پیامبر ﷺ می‌داند و آن را برای عموم مردم قابل فهم به حساب می‌آورد (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۴۹).

«حجیت ظواهر قرآن»؛ استاد معرفت به دلیل ورود دستور به تدبر در آیات و تشویق بر تعمق و روایات پیامبر ﷺ که مردم را به قرآن ترغیب می‌کند (کلینی، اصول کافی، ۱۳۷۹: ۲/ ۵۹۹، ۲) و نیز شیوه اهل بیت ﷺ در تعلیم و استنباط احکام از ظواهر قرآن، ظواهر قرآن را حجت می‌داند (تفسیر و مفسران، ۱۳۷۹: ۱/ ۸۴).

برخی از مبانی اختصاصی تفسیر علمی از منظر علامه معرفت به شرح ذیل است:

یک - پرده‌گشایی تفسیر علمی از حقایق و رازهای آفرینش

آیت الله معرفت همگامی تفسیر را با زمان و تنوع دگرگونی‌های آن، موجب ایجاد تحول و تنوع در تفاسیر می‌داند، به نوعی که می‌توان شیوه‌های تفسیری عصر جدید را به چهار دسته تقسیم نمود: شیوه علمی، ادبی-اجتماعی، سیاسی-انحرافی، عقلی افراطی. شیوه علمی با تأثر از کشفیات جدید علمی به دنبال بیداری نسل جدید و پیش‌نوگراییانه ضمن پایبندی به مبانی اسلامی پدید آمد که هدف آن جلوه‌اشتمال قرآن بر اشاراتی گذرا درباره بسیاری از اسرار طبیعت است. از دیدگاه ایشان علت اقبال صاحب‌نظران به این شیوه به هدف اثبات هماهنگی علم و دین و در نهایت اثبات اعجاز علمی قرآن است؛ زیرا قرآن از سوی کسی نازل شده است که خود جهان را آفریده و به صورت طبیعی به عمق اسرار آن آگاه است (معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۶۷-۴۶۸).

در نتیجه ایشان با حفظ حدود و ثغور تفسیر علمی، آن را کاشف برخی از آیات قرآن می‌داند.

دو- رابطه رسالت قرآن و تفسیر علمی

رسالت اصلی قرآن خروج انسان‌ها از تاریکی‌های گمراهی به روشنی هدایت است (ابراهیم/ ۱)؛ بنابراین، نه شریعت عهده‌دار آموزش و پژوهش در مسائل مربوط به طبیعت است و نه قرآن کتاب علمی صرف است، بلکه مطالب علمی موجود در قرآن، سخنانی تراوش‌گونه و در نهایت اجمال و پوشیدگی است که در میان کلمات حکیمانه خداوند آمده و نشان از منشأ استوار قرآن دارد (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۶/ ۱۳-۱۴ و ۱۹). پس وقتی این نکات علمی مقصود اصلی نیست و هدف اساسی قرآن بر بیان این دست مباحث بسته نشده، توقع وجود تمام علوم در قرآن انتظار بی‌جایی است (همان، ۶/ ۲۰). البته برانگیختن به سوی دانش با استنباط علوم از قرآن تفاوت دارد (همان، ۶/ ۲۶)؛ به همین دلیل، هیچ‌گاه در این‌گونه اشارات درنگ نشده و مطلب به طور کامل بیان نگردیده است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۳۶۳). اصولاً شعاع دائره مفهوم هر کلام با ملاحظه جایگاه گوینده مشخص می‌گردد؛ مثلاً محمد بن زکریا که کتاب «من لا یحضره الطیب» را نگاشت و یادآور شد که تمامی آنچه مورد نیاز است، در این کتاب فراهم ساخته، از جایگاه یک پزشک سخن گفته است؛ لذا مقصود وی تمامی نیازها در چارچوب نیازهای پزشکی است. خداوند نیز آن‌گاه که بر کرسی تشریح نشست، نسبت به کتب و شرایع نازل شده بر پیامبران، آیاتی مانند آیه ۸۹ سوره نحل و مانند آن را ایفاد نموده است که صرفاً به جامعیت جنبه‌های تشریحی نظر دارد (همان، ۴۱۴).

سه - اعجاز علمی، یکی از ابعاد اعجاز قرآن

علامه معرفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن را اعجاز علمی آن می‌شمارد، بدین معنا که گاه در میان تعبیر قرآن اشاراتی علمی دیده می‌شود که حاکی از احاطه صاحب سخن به اسرار نهفته طبیعت است. این نکات در بستر زمان برای دانشمندان، دلیل اعجاز قرآن است (همان، ۳۶۳). با توجه به اینکه مباحث علمی قرآن از منظر بسیاری از صاحب نظران حوزه تفسیر و علوم قرآن جزو ابعاد اعجاز آن به شمار می‌آید، به دنبال آن از این موضوع نیز بحث می‌شود که آیا تحدی قرآن شامل بعد علمی قرآن نیز می‌شود یا خیر؟ استاد معرفت در این زمینه ضمن یادکرد کلمات مخالفان شمول حوزه تحدی تا بعد علمی قرآن، مانند دکتر ابوعمر، دکتر صبحی صالح و ... به بیان ادله ایشان پرداخته و سخنشان را به کوتاه نگری درباره شمول زمانی و مکانی آیات تحدی نقد می‌کند. از نگاه استاد معرفت آیات تحدی و مبارزه طلبی قرآن نسبت به عرب صدر اسلام درباره اعجاز بیانی است، اما تحدی قرآن منحصر به زمان و مردم خاصی نیست، بلکه برای تمام بشریت در طول زمان است. پس انحصار اعجاز قرآن به فصاحت و بلاغت خردمندان نیست. چون همه مردم عرب نیستند و همه عرب‌ها نیز فصیح نیستند. پس تحدی باید به چیزی باشد که بتواند همه را به تحدی فراخواند؛ یعنی به مجموع کتاب، نه به یک سوره یا آیه یا آیات خاص (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۱/۶-۳۰-۳۴).

چهار - قرآن کتاب هدایت است نه کتاب علوم طبیعی

استاد معرفت معتقد است قرآن کتاب هدایت بشر است و در باب تفسیر علمی، این پندار را که کتاب قرآن کتاب علوم طبیعی باشد، غلط می‌داند (آیت الله معرفت احیاگر علوم در دوران معاصر، کتاب ماه دین، ۱۳۸۸: ۷).

پنج - ضوابط تفسیر علمی

ضوابط تفسیر به دو گروه ضوابط عام که باید در تمام روش‌های تفسیری مراعات شود (مانند رعایت شرایط مفسر، رعایت معیارهای تفسیر معتبر و ...) و ضوابط خاص که به تناسب روش‌های تفسیری باید رعایت شوند، تقسیم می‌شود (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۵)، ۱۳۹۲: ۵/۲۳۹-۲۴۰). با توجه به رویکرد نوشتار حاضر، ضوابط خاص تفسیر علمی به طور ویژه از دیدگاه علامه معرفت در ادامه تبیین می‌شود:

۱. تفسیر علمی آیات توسط علوم تجربی قطعی

در تفسیر علمی باید میان علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی تفاوت قائل شد. بهره برداری از نظریات ظنی علوم در تفسیر قرآن صحیح نیست؛ چرا که گاه پس از صدها سال ماندگاری دستخوش تحول می‌شوند، همچنان که نظریه هیأت بطلمیوسی پس از سلطه چهارده قرن از سوی افرادی مانند کپلر و کپرنیک دگرگون شد.

استاد معرفت در این زمینه با تأکید فراوان می‌نویسد: به کارگیری ابزار علمی برای فهم معانی قرآنی، کاری بس دشوار و ظریف است؛ زیرا علم حالت ثبات ندارد و با پیشرفت زمان، گسترش و دگرگونی می‌یابد و چه بسا یک نظریه علمی - چه رسد به فرضیه - که روزگاری حالت قطعیت به خود گرفته باشد، روز دیگر هم‌چون سرابی نقش بر آب، محو گردد. لذا اگر مفاهیم قرآنی را با ابزار ناپایدار علمی تفسیر کنیم، به معانی قرآن که حالت ثبات و واقعیتی استوار دارند، تزلزل بخشیده- ایم. اگر دانشمندی با ابزار علمی قطعی که در اختیار دارد، توانست از برخی ابهامات قرآنی - که در همین اشاره‌ها نمودار است - پرده بردارد، کاری پسندیده است، مشروط بر آنکه با کلمه «شاید» نظر خود را آغاز کند و بگوید: شاید یا به احتمال قوی مقصود آیه چنین باشد تا اگر در آن نظریه علمی تحولی ایجاد گردد، به قرآن صدمه‌ای وارد نشود و صرفاً گفته شود که تفسیر او اشتباه بوده است. هرگز نباید میان دیدگاه‌های استوار دین و فرآورده‌های ناپایدار علم، پیوند ناگسستنی ایجاد نمود» (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۴۱۷؛ معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۱۸/۶).

ایشان ماندگاری ابهام آیه را نسبت به تلاش برای تطبیق آن با نظریه‌ای غیر قطعی و تکامل نیافته ارجح می‌شمارد و آن را نوعی تحمیل بر آیه و دروغ بستن بر آن معرفی می‌کند (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۱۹/۶).

۲. اصل بودن قرآن در تفسیر علمی

آیت الله معرفت نظریات علمی قرآن را اصل دانسته، معتقد است برای کشف برخی رازهای طبیعت باید به سراغ قرآن رفت و در این مسیر، علم قطعی بسیار یاری‌رسان خواهد بود (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱ ش، ۳۴۴؛ التمهید، ۱۳۸۵: ۶/۶).

۳. دلالت روشن ظاهر آیه بر مطالب علوم تجربی مورد نظر

در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسئله علمی مورد نظر رعایت شود؛ به گونه‌ای که همخوانی تفسیر آیه با مطالب مورد نظر قابل فهم باشد تا به توجیه و تفسیرهای مخالف ظاهر نیاز پیدا نشود (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۳۴۴؛ التمهید، ۱۳۸۵: ۲۵/۱۲).

۴. کاربرد علوم تجربی به عنوان ابزاری در جهت تفسیر

آیت الله معرفت می‌نویسد: از آنجا که آیات قرآن حقایق ثابت، ولی نظریه‌های علمی ناپایدار و در معرض تعدیل و تبدیل هستند، نهایت تلاش مفسر پرده‌برداری از حقایق و رازهای آفرینش است که در انبوهی از آیه‌های قرآن حکیم نهفته است (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۶/۱۸).

۵- در تفسیر علمی چند شیوه متصور است:

الف) استخراج همه علوم از قرآن

این شیوه به معنای تفسیر قرآن با این پیش‌فرض است که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن با یک قانون علمی سازگار تشخیص داده می‌شود، بیان می‌شود و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نکرد، تأویل می‌شود (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۵)، ۱۳۹۲: ۲۱۲). از دیدگاه آیت‌الله معرفت همان گونه که خود به صراحت این نظریه را رد کردند، این شیوه تفسیر قطعاً مطلوب نیست.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن

قدمت این شیوه، به قرن اخیر بازمی‌گردد. بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن نظریات تجربی، سعی کردند آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده، آیات را برخلاف معانی ظاهری حمل می‌کردند (همان، ۱۳۹۲: ۵/۲۱۳).

آیت‌الله معرفت این شیوه تفسیر علمی را نیز رد کرده، می‌نویسد: ما درصدد تطبیق آیات قرآن بر نظریات علمی تغییرپذیر نیستیم... اگر آیه بر ابهام خود باقی باشد، بهتر است از اینکه بر نظریه علمی غیر قطعی تطبیق شود که چه بسا تحمیل بر آیه بشود (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۱/۱۲).

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه، مفسر تلاش می‌کند با استفاده از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی

مجهول قرآن را کشف نماید (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۵)، ۱۳۹۲: ۲۱۴). آیت الله معرفت با تأیید این شیوه می‌نویسد: در قرآن اشاراتی سریع به اسرار وجود شده است که فهم حقیقت آنها جز در پرتو شناخت برخی علوم و تسلط بر اسرار طبیعت که علم کشف می‌کند، ممکن نیست و این بهترین وسیله مفید برای فهم کتاب الهی و کشف اسرار و اشارات آن است (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۶ / ۲۵).

شایان ذکر است که دکتر رضایی اصفهانی در کتاب خود دو شیوه «جهت‌دهی به مبانی و اهداف علوم» و «نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی» را نیز به عنوان شیوه‌های برتر تفسیر علمی مطرح و تبیین نموده است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۵)، ۱۳۹۲: ۲۱۶-۲۱۸).

۶- شیوه‌شناسی تفسیر علمی مفسر

منظور از شیوه‌شناسی تفسیر آن است که مفسر در طرح مطالب تفسیری از چه الگویی استفاده کرده و چه مراحل را طی نموده تا به آنچه هدف وی از نگارش تفسیر است، دست یابد. الگوها به معنای محورهایی است که مفسر برای طرح مطالب تفسیری خود از آنها استفاده می‌کند و از آن به منهج تفسیری مفسر نیز یاد شده است (بهجت‌پور، تفسیر تنزیلی، ۱۳۹۲: ۸۲).

یک - شیوه تفسیر علمی استاد معرفت

استاد معرفت در جلد ششم «التمهید» که آن را به اعجاز علمی و تشریحی قرآن اختصاص داده، پس از تبیین مبانی نظری خود درباره هدف قرآن، وجه وجود مطالب علمی در قرآن را نحوه تعامل قرآن و علم و نمونه‌هایی از آیات علمی قرآن را اعجاز علمی با بهره‌گیری از علم تجربی تفسیر نموده است.

موارد اعجاز علمی مطرح شده در این کتاب عبارت است از: آب، سرمنشأ زندگی؛ چگونگی پیدایش زیست؛ منشأ شکل‌گیری جنین؛ رجع و صدع آسمان و زمین؛ گسترش فضا در گذر زمان؛ تراکم هوا در طبقات آسمان؛ پوشش هوایی محافظ زمین؛ پیوستگی فضا؛ رتق و فتق آسمان‌ها و زمین؛ تشویق رسا به جنبش علمی - فرهنگی؛ ابر؛ کوه‌های چون میخ؛ کوتاهی و بلندای سایه؛ ساختار سرانگشتان؛ قانون فراگیر زوجیت؛ عسل؛ تعبیرهای دقیق؛ شاهکارهای بیانی و خبرهای غیبی.

ایشان در بخش اعجاز تشریحی نیز پس از تبیین ویژگی‌های اعجاز تشریحی قرآن در بیان معارف و احکام، نمونه‌های از آن را یاد می‌کند؛ از جمله: صفات شکوه و جلال خدای متعال در قرآن؛ حقوق اسلامی از دیدگاه قرآن؛ قوانین قرآن در چارچوب خانواده و اجتماع؛ و با استقرای مواردی که استاد معرفت در بخش اعجاز علمی بررسی نموده، باید گفت در تفسیر ایشان از آیات مشتمل بر اعجاز علمی مانند تفسیر اثری از الگوی چندان واحدی پیروی نمی‌شود، بلکه چندین عنوان در مباحث وجود دارد که ایشان به فراخور آیات عناوین را با تقدم و تأخر یاد کرده یا گاه ضرورتی به ذکر آن ندیده است که در ادامه مطرح می‌شود.

دو- تحلیل نمونه‌های تفسیری استاد معرفت

در قسمت بررسی آیات اعجاز علمی اولین بحث با عنوان «آب، سرمنشأ زندگی» با طرح آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء / ۳۰) آغاز شده است. برای تبیین آیه، ایشان در ابتدا روایاتی را جهت توضیح آیه یاد کرده‌اند. در ادامه با ذکر آیات مرتبط با بحث، دیدگاه‌های مفسران ذیل هر آیه را نیز آورده و اعتبار سنجی نموده است. استاد معرفت در مرحله سوم با بیان اینکه درصدد دستیابی به مفهوم آیه در پرتو دانش است، تئوری داروین درباره حیات و تکامل آن را در گذر هستی به تفصیل نقل کرده و در ادامه با استفاده از نظر دیگر دانشمندان علوم تجربی، تفسیر خود را از آیه ارائه نموده است. ایشان پس از تکمیل تفسیر خود از آیه مطالبی را به هدف مباحث تکمیلی با این عناوین آورده و به صورت کامل به توضیح آن پرداخته است: چگونگی پیدایش زیست؛ پیوستگی حیات؛ چگونگی آغاز حیات؛ خاستگاه انسان؛ الله یکتا آفریدگار. بدین ترتیب، تفسیر خود را از آیه ۳۰ سوره انبیاء به انتها می‌رساند (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۸۷/۶).

موضوع دوم بخش اعجاز علمی جلد ششم «التمهید» منشأ شکل‌گیری جنین است که بر محور آیات «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» طارق / ۷-۵ می‌چرخد.

با توجه به احساس نیاز به تبیین معنایی واژگان به کار رفته در آیات، آیت الله معرفت ابتدا کلمات «دافق»، «الصلب»، «الترائب» را از منظر لغوی و اشتقاق و معانی آنها توضیح داده است. سپس همچون موضوع پیشین با ذکر آیات مرتبط، سخن مفسران را در جهت تنویر موضوع یاد کرده است. استاد معرفت در مرحله سوم با بررسی موضوع از نظر علم تجربی با یادکرد سخنان پزشکان امروز و حکمای گذشته، مراحل تشکیل جنین را به صورت علمی و تفصیلی توضیح می‌دهد. ایشان در مرحله چهارم روایات مربوط به موضوع را آورده و

پس از آن نظر خود را در زمینه موضوع مورد بحث بیان کرده و پس از تکمیل تفسیر خود از آیه، مطالبی را به هدف مباحث تکمیلی ذیل عناوین «قرآن کریم و مراحل جنین» و «قرآن کریم و بیماری‌های وراثتی» آورده است (معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۶/۹۴).

موضوع سوم تفسیر علمی آیت الله معرفت در تفسیر «التمهید» با عنوان «رجع و صدع آسمان و زمین و اثر آنها بر شکل‌گیری حیات» به بررسی آیات «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَ الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ» (طارق / ۱۱-۱۲) پرداخته است.

به نظر می‌رسد استاد معرفت با توجه به موضوع آیات مرتبط با موضوع رجع و صدع، ضرورتی به بررسی‌های تفصیلی مانند آیات قبل ندیده است و مراحل یاد شده در تفاسیر علمی - موضوعی پیشین را به صورت بسیار فشرده با اختصار بسیار طی کرده، چنان که به توضیح واژگانی آیه همراه با نقل نظر مفسران پیشین به صورت یکجا بسنده نموده است. ایشان نظر تفسیری خود را با استفاده از دانش تجربی روز در قالب چند معنای قابل برداشت از آیه ارائه کرده و تفسیر خویش را با نقل سخنی از رشید رشدی (به نقل از بصائر جغرافیه) پایان می‌دهد (همان، ۱۳۸۵: ۶/۲۰۱).

با توجه به مطالب یاد شده و تحلیل دیگر تفاسیر استاد معرفت در جلد ششم کتاب «التمهید»، می‌توان گفت از منظر ایشان در بررسی آیات علمی چند محور نقش اساسی دارند که به فراخور بحث، هر یک از محورها دارای تفصیل و اختصار متفاوتی هستند. این محورها عبارت است از: توضیح واژگانی آیه؛ یادکرد آیات مشابه و همگرا؛ نظر دیگر مفسران؛ روایات مرتبط با موضوع و نظر دانشمندان علوم تجربی. ایشان در هر موضوع با طی این مراحل به تفسیری کامل از آیه دست می‌یابد که البته گاه نیز حسب موضوع، ممکن است دو مرحله به یک مرحله بگنجانند و یا حتی از آوردن محور خاصی صرف نظر نماید.

۷- آسیب‌شناسی تفسیر علمی

آسیب‌های تفسیر علمی در نگاه آیت‌الله معرفت را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

یک - حائز شرایط نبودن مفسر

تفسیر قرآن دانشی تخصصی و نیازمند مفسر متخصص است. مفسری که می‌خواهد در مباحث میان‌رشته‌ای قرآن و علوم گام نهد، لازم است که شرایط ویژه‌ای داشته باشد. در تفسیر علمی علاوه بر شرایط عمومی، شرایط دیگری از جمله آگاهی مفسر از علم مورد بحث در تفسیر، آشنایی با فلسفه آن علم و نظریه‌های قدیم و جدید در آن، اطلاع از شیوه‌های

مباحث میان رشته‌ای و ضوابط و مراحل آن، شناخت گونه‌های تفسیر علمی (استخراج، تحمیل، استخدام، نظریه پردازی) رعایت احتیاط در نسبت مطالب علمی به قرآن لازم است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر (۵)؛ ۱۳۹۲: ۲۶۵-۲۶۸).

مسئله مهم‌ترین آسیب در تفسیر علمی این است که مفسری با فقدان شرایط فوق و رعایت نکردن آنها اقدام به تفسیر آیات نماید. آیت‌الله معرفت ذیل بحث تفسیر به‌رأی برداشت‌های ناصواب را با عنایت به نداشتن شرایط مناسب از جمله مهم‌ترین آسیب‌های تفسیر علمی بر می‌شمرد (معرفت، مجله اندیشه حوزه، ۲۵ / ۱۴۱).

دو - علم‌زدگی

در میان مفسرانی که در قرون اخیر اقدام به تفسیر قرآن کریم نموده‌اند، افرادی دیده می‌شود که بعضاً با دید کاملاً مادی و علم زده، امور نامحسوس و متافیزیک (Metaphysics) در قرآن را حمل بر مسائل مادی نموده‌اند. تطبیق جن بر میکروب و تطبیق معجزات پیامبران به مسائل مادی از این دست است. مرحوم طالقانی در پرتویی از قرآن در این باره می‌نویسد: یکی از مفسران ... آیاتی را که در این باره است، با هم مقایسه نموده و وضع جغرافیایی قدیم شمال دریای احمر را در نظر گرفته، می‌گوید: موسی علیه السلام بنی‌اسرائیل را از مغرب و از شمال دریای احمر که در آن زمان کم‌عمق بود، در هنگام جزر عبور داد. فرعون غافل با سپاه و ارباب‌های جنگیش همین که به آن جا رسید و خواست شتان بگذرد، ناگهان دریا به حالت مد در آمد و غرقشان ساخت (طالقانی، پرتویی از قرآن، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۵۵). استاد معرفت تفسیر علمی را نوعی تفسیر عصری می‌داند که با تأثر از کشفیات جدید علمی پدید آمده، تفسیر را در حوزه‌های علوم مورد بررسی قرار می‌دهد که البته باید با رعایت علم اثبات شده و دوری از علم‌زدگی باشد (معرفت، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، ۱۳۷۷: ۲ / ۴۶۶).

سه - انتخاب مبانی، ضوابط و شیوه غلط

انتخاب مبانی، ضوابط و شیوه غیر صحیح می‌تواند باعث ایجاد فهم‌های اشتباه از قرآن ۹۵ شود. این امر مختص به تفسیر علمی نیست و در دیگر شاخه‌های تفسیر نیز به همین مفسده منجر می‌شود. در مباحث پیشین، برخی از آنها گذشت، از جمله اینکه قرآن به جای کتاب هدایت، کتاب علوم طبیعی دانسته شود (آیت الله معرفت احیاگر علوم در دوران معاصر، کتاب

ماه دین، ۱۳۸۸: ۷) یا اینکه علم تجربی اصل و قرآن فرع تلقی گردد؛ چراکه ایشان نظریات علمی قرآن را اصل دانسته، می‌فرماید: علم قطعی بسیار یاری‌رسان خواهد بود (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۳۴۴؛ معرفت، التمهید، ۱۳۸۵: ۶/۶).

نتیجه

۱. آیت‌الله معرفت تفسیر علمی را نوعی تفسیر عصری می‌داند که با کمک آن و با توجه به پیشرفت دانش و گسترش معارف بشری می‌توان بهتر و بیشتر به حقایق قرآنی پی برد.
 ۲. ایشان مبانی تفسیر علمی، آن را موجب پرده‌گشایی از حقایق و رازهای آفرینش می‌داند که در خدمت رسالت قرآن که همان هدایت انسان‌هاست، قرار گرفته است. قرآن کتاب علمی نیست؛ بنابراین، انتظار وجود تمام مطالب علمی در آن، توقع بی‌جایی است. اعجاز علمی قرآن یکی از ابعاد اعجاز قرآن شمرده می‌شود که به دلیل شمول افرادی، احوالی و ازمانی متعلق تحدی نیز قرار گرفته است.
 ۳. ضوابط خاص تفسیر علمی از منظر آیت‌الله معرفت شامل تفسیر آیات علمی توسط علوم قطعی و اصل بودن قرآن در تفسیر و دلالت روشن آیه بر مطلب می‌شود. همچنین ایشان به شدت از تحمیل نظریات علمی بر آیات قرآن برحذر می‌دارد، بلکه نتایج علوم باید در جهت کشف مراد کلام الهی در خدمت قرآن به کار گرفته شود.
 ۴. محورهایی که استاد معرفت در جهت کشف و تبیین تفسیر آیات علمی قرآن به کار گرفته است عبارت است از: توضیح واژگانی آیه؛ یادکرد آیات مشابه و همگرا؛ دیدگاه دیگر مفسران؛ روایات مرتبط با موضوع؛ نظر دانشمندان علوم تجربی.
- ایشان در بررسی هر آیه، تناسب مطلب مطرح شده در آن و محورهای یادشده را به تفصیل یا اختصار بررسی نموده و در برخی موارد نیز به دلیل وضوح مطلب ضرورتی به طرح برخی از محورها ندیده است.

منابع

۱. ابن سینا، تعلیقات، المحقق عبدالرحمن بدوی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ق.
۲. ابن سینا، حسین بن علی، رسائل، قم: بیدار، ۱۳۷۵ش.
۳. ابن عطیه اندلسی، تفسیر المحرر الوجیز، بیروت: دارکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۶. اسکندرانی، محمدبن احمد، کشف الاسرار النورانیة القرآنیة، قاهره: الرکابی، ۱۲۷۹ق.
۷. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۸. انوری، حسن و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ش.
۹. آلوسی، محمود، روح المعانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۰. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش.
۱۱. بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۲. بغوی، حسین بن سعید، تفسیر البغوی مسمی معالم التنزیل، مهدی عبدالرزاق، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۳. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی مبانی، اصول قواعد، فوائد، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۱۴. جرجانی، حسن بن حسن، جلاء و الاذهان و جلاء الاحزان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۵. جمیلی، الاعجاز الطبّی فی القرآن، بیروت: بی نام، ۱۹۸۷.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۷ش.
۱۷. الحبال، محمد جمیل و الجواری، مقداد مرعی، العلوم فی القرآن، بیروت: دارالنفائس، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
۱۸. حنفی، احمد، التفسیر العلمی للآیات الکوئیة فی القرآن، قاهره: بی نا، ۱۹۶۰م.
۱۹. خولی، امین، مناہج تجدید فی النحو والبلاغه و التفسیر و الأدب، قاهره: بی نا، ۱۹۶۱م.

۲۰. خویی، ابو القاسم، البیان، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی، ۱۴۳۰ق.
۲۱. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۲۳. ذهبی، محمدحسین، التفسیر والمفسرون، بیروت: بی نا، ۱۴۰۷ق.
۲۴. رازی، ابوالفتح، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸ق.
۲۵. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، دمشق — بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۲۶. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم المشتہر باسم تفسیرالمنار، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۳ش.
۲۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: اسوه، ۱۳۷۵ش.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر (۵)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۲۹. رومی، فهد بن عبدالرحمان، منهج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، بیروت: بی نا، ۱۴۰۷ق.
۳۰. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
۳۱. سبزواری، شرح منظومه، حسن زاده آملی، تهران: ناب، ۱۴۱۷ق.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: ۱۹۶۷م.
۳۳. سید بن قطب، بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۳۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۳۵. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت: بی نا، ۱۴۱۵ق.
۳۶. شریعتی مزینانی، محمدتقی، تفسیر نوین: جزو سی ام قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.

۳۷. شریف، محمدابراهیم، اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم في مصر، قاهره: بی نا، ۱۴۰۲ق.
۳۸. شلتوت، محمود، تفسير القرآن الكريم، بيروت: بی نا، ۱۴۰۸ق.
۳۹. شوکانی، محمد بن علی، فتح الغدير، دمشق - بيروت: دار ابن کثیر - دار الكلم الطيب، ۱۴۱۴ق.
۴۰. صاوی، احمد، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین بی جا: دارالفکر، بی نا.
۴۱. طالقانی، سید محمود، پرتویی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲ش.
۴۲. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،
۴۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، سید احمد حسین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۵. طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی التفسیر القرآن الكريم، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۴۶. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه تفسیر نور الثقلین سید هاشم رسولی محلاتی قم انتشارات اسماعیلیان چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۴۷. غزالی، احیاء علوم دین، حافظ عراقی، عبدالرحیم حسین، بی جا: دارالکتب العربی، ۱۳۵۶ش.
۴۸. فراهیدی، خلیل، العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۴۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۰. قرضاوی، یوسف، کیف تتعامل مع القرآن العظيم، قاهره: بی نا، ۱۴۲۰ق.
۵۱. کارم، غنیم، الاشارات العلمیة فی القرآن الكريم، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۴۱۵ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۷۹ش.
۵۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۲ق.
۹۹. ۵۴. محمدهادی معرفت، «نقدی بر تفسیرهای روشنفکرانه از قرآن و حدیث»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۲۵، ص ۱۴۱.
۵۵. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: الجامع الرضویه للعلوم الاسلامیة، ۱۳۷۷ش.

۵۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۵ش.
۵۷. معرفت، محمدهادی، تفسیر الاثری الجامع، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۷ش.
۵۸. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم، تمهید، ۱۳۷۹.
۵۹. معرفت، محمدهادی، صیانه القرآن من التحریف، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۶۰. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۶۲. ملاصدرا، مفاتیح الغیب، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۶۳. نفیسی، شادی، عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش
۶۴. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحدیث، مصر: بی نا، ۱۳۷۸ش.
۶۵. وحید اختر، سرسید احمدخان و اندیشه دینی، ترجمه رسول جعفریان، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ۱، ش ۱، مهر ۱۳۷۰ش.